



وقتی که ایران هست، خلیج یعنی فارس  
تاریخ می‌لرزد از خشم قوم پارس

تا میهن کاوه تابوت ضحاک است  
این سرزمین از هر اهریمنی پاک است

صدها هزار آرش جان در کمان دارند  
تیری اگر کاریست این عاشقان دارند

ما وارث کورش فرزند جمشیدیم  
پیروز بی برده، بت نپرستیدیم

ما ریشه‌ای دیرین در عشق و خون داریم  
ما در شب تاریخ تا صبح بیداریم

خروش شکوهمند قوم پارس



فرزندان ایران، فرزندان نسل رستم و ته‌مینه، دلاوران وفادار به بابک خرم‌دین و روزبهان خراسانی، امروز پیروزمندانه  
و زورمندانه فریاد خشم خویش را بر سر آدمخواران خونریز مسلمان کوبیدند.

پیروزی دلیرانه و پرشکوه شیرزنان و دلیرمردان ایرانی در برابر مسلمانان پلید روی و چرکین دل حرامی می‌رود تا  
هرچه زودتر با تابشی شگرف چشم خاندان محمد تازی را کور کند.

اینبار ایرانیان آزاده در روز هلاک شدن حسین- راه زن خونخوار تازی، سوگواران سیه دلش را سیه روز کردند.

فرزندان نازنین ایران عزا داران عرب را در ماتم رهبر بی شرفشان نشانند و به او هشدار دادند هان ای ضحاک خمینی  
تو را چشم به راه و گورستان آغوش خود را بر تو گشوده است.

اگر لاریجانی زشت روی پست فطرت و دیگر ملیجکان فرومایه دربار خامنه ای امروز کفن پوش در خیابان حاضر می شوند، این خود نشان ضربه ی بزرگی است که دلاوران ایرانی بر بدن این حکومت اشغالگر تازی وارد آورده اند.

امروز کاسه صبر تاریخ لبریز شده و شکیبایی مردم ایران به پایان رسیده. حکومت اسلامی خمینی و خامنه ای و یاران پلیدشان در طی سی سال روز را بر مردم ایران سیاه و کامشان را تلخ کرد. وارثان دین محمد سرمایه های مملکت را به تاراج بردند، کشور را در فقر و روسپیگری و اعتیاد غرق ساختند و مردم ایران را با این همه سرمایه های طبیعی وادار به تن فروشی برای گذران زندگی کردند.

در طی این سی سال، و در طول حکومت اسلامی ناب محمدی ملاها لبخند ها به گریه تبدیل شد، جشن ها به عزاداری، و دوستی ها به دشمنی و کینه و در یک کلام هر آنچه که پارسی و ایرانی بود جای خودش را به فرهنگ چرکین اسلامی داد.

جشن های پرشکوه و زیبای ایرانی به دست فراموشی سپرده شد و به جای آن گروهی تازی شده بی خرد برای کشته شدن خاندان حرامی محمد تازی بر سر و صورت خود کوبیدند.

در بیش از سیزده سده پیش بهمن جازویه ایرانی دلیر با جنگاوری علی سگ کش فرزند ابوطالب را به درک می فرستد و امروز ایرانیان خرد باخته به جای شادمانی و گرامیداشت این شاهکار تاریخی و به سرور نشستن هلاکت علی، سر و سینه ی خود را برای این خونخوار تازی چاک می دهند. اینها هیچ جای تعجب ندارد چرا که آخوند ها سده های پی در پی است که روح و روان مردم را با مزخرفات دین پلید شان آلوده اند.

اما رویدادهای تازه ایران، این نوید را می دهد که این بار با چیره شدن فرزندان ایراندخت و آرش بر خاندان محمد، نه تنها نگاره خامنه ای و نام حسین، که الله و تازی نامه و اسلام را مردم به همراه آخوندها در آتش خشم خود بسوزانند.

سپاهیان خونریز اسلام که بدون هیچ شرم و آزر دست به کشتار وحشیانه فرزندان ایران می زنند، این دیو سیرتان زشت کردار باید بدانند که با هرچه وحشیگری و درنده خویی بیشتر، گاه به گاه به پایان عمر زشت و پلید خویش نزدیکتر می شوند.

پاسداران خامنه ای و حکومتش، این حرامیان مسلمان، امروز با بی شرمی هرچه بیشتر فرزندان ایران را به خاک و خون کشیده اند. این خود دیگر جای هیچ شکی باقی نمی گزارد که هر آنکه در برابر این خون آشام های سیه دل مردم را به آرامش و سکوت فرا می خواند، خود یکی از آنها است.

مسلمانان مجنون و دیوانه ای که جوانان وطن را با ماشین زیر میگیرند ابلیسان مستی هستند که هیچ رحمی بر آنان جایز نیست.

امروز در امتداد غرش رعدآسای خشم تاریخ و در میانه تندر پیکار، شما یا ایرانی هستید و همرمز و هم سنگر فرزندان ایران و یا مسلمان و پا به پای آدم کشان تازی در پیکار با مردم.

آنچه مهم است به یاد داشته باشیم اینکه؛ نخست هر آنکه کوشش در گمراه سازی این جنبش دارد و مردم را به صلح و سکوت در برابر آدم کشان فرا می خواند باید دانست که خواسته یا از روی بی خردی در سپاه ملا ها و در برابر مردم قرار دارد. و دوم آنکه گروهی کوشش می کنند که ایرانیان راستین را خرابکار و اغتشاش گر بخوانند و ستیز آنان با اسلام را نشانه ی گمراهی و بد اندیشی این جنبش معرفی کنند. که ما باید بدانیم این موضوعی است که باید به آن توجه ویژه داشت.

اینها با بی شرمی تمام حتی کوشیدند تا در رسانه هایشان پاره کردن و سوزاندن عکس خمینی و خامنه ای حرام زاده را هم کاری زشت نشان دهند و اعلام داشتند که به عکس آیت الله خمینی بی احترامی شده! و عده ای جنبش را به بی راهه کشانده اند! شگفتا از این همه بی شرمی!

امروز در این زمان گاه بسیار مهم مرز بندی میان ایران و اسلام فرا رسیده. ما بایستی که در این نبرد همین جا کار اسلام را یکسره کرده و این جنبش رهایی بخش ایران را به آخرین پیکار بر ضد اسلام تبدیل کنیم. با ذره ای درنگ و باختن هوشیاری و واگذاری این نبرد، همه ی امید ها و تلاشهای چهارده سده ای برای نابودی اسلام به باد خواهد رفت.

اگر یک روز و در یک زمان، یک بار و برای همیشه بخواهیم خاک ایران را از اهریمن اسلام پاک کنیم، آن گاه همین امروز است.

این بهترین زمانی است که این جنبش می رود تا به اهداف راستین خود دست یابد. باید بدانیم که شعار انحرافی در این میان <الله اکبر> و <یا حسین میرحسین> است. آنانکه شعار الله اکبر سر میدادند، از چهارده سده پیش تا به حال خود جان فرزندان ایران را گرفته اند و هم "حسین" و هم "میرحسین" جنایتکار و دشمن این آب و خاک بوده اند.

این نبرد امروز یا دیروز آغاز نگشته و سابقه ای دیرینه دارد. ایرانیان آزاده همواره از روز دربند کشیده شدن میهنمان توسط تازیان برای آزادی آن کوشیده اند و جان خود را نیز داده اند. نبرد ایرانیان راستین همواره با آیین زشت و غیر انسانی اسلام بوده و در این راه جان های گرامیشان را نیز فدا کرده اند.

از رستم فرخزاد، بابک خرمدین و بهمن جازویه تا فریدون فرخزاد، کورش آریامنش و فرود فولادوند و امروز نیز ندا آقاسلطان، سهراب اعرابی و سد ها ایرانی دلیر و آزاده دیگر، همواره با خرد، جان و دلاوری خویش در راه ستیز با اهریمن تازی و برای رهایی از چنگال دیو، جوانه های باغ ایران را آبیاری کرده اند.

این نبرد بی تردید نبرد ایرانیان با سربازان آیین الله است. و آنچنانکه همواره نور بر سیاهی و نیکی بر پلیدی و راستی بر کژی چیره می گردد، این بار نیز زیبایی و شگفتی فرهنگ کهن قوم پارس، الله و اسلام را بر زمین خواهد کوبید و تاریخ از غرش قوم پارس خواهد لرزید. شیرهای ایرانی با نیرومندی سینه ی اهریمن تازی را خواهند شکافت و اسلام با خواری و کوچکی هرچه تمام تر در این گرداب خشم و خون غرق خواهد شد و برای همیشه از چهره ی ایران محو خواهد گشت.

مردم ایران باید هوشیارانه مسیر خود را مشخص نمایند و اکنون در این لحظه بی پرده و بی پروا ریشه ی کثیف این حکومت یعنی اسلام پلید اهریمنی را مورد هدف قرار داده و خاندان محمد و خامنه ای جنایتکار را به زباله دان تاریخ بفرستند.

بهترین فرهنگ ها را برای ایران آینده می توان از دل فرهنگ پارسی جستجو کرد و بهترین ساختار برای قانون اساسی ایران آینده باید با توجه و کاوش در آیین های نیک ایرانی برگزیده شود. هر آنچه از محمد و آیین کثیف اسلامش به جای بماند جز خواری و سیه روزی برای ایران به ارمغان نخواهد آورد.

دینداران نه در جنبش مردم برای آزادی و نه در آینده ایران نقشی ندارند. کشور ایران باید به دست مردم اداره شود و پادشاه در کنار مردم برای سازندگی و پدافند از کشور بکوشد.

جان کلام، این بار که اختر بر مردم ایران نیک آمده و تاریخ میرود تا انتقام پارسیان را از تازیان باز بستاند، باید هوشیار بود و این فرصت گرانمایه را از دست نداد. باید ایرانیان بی پرده خط و راه خود را از اسلام و هواداران حکومت جدا کنند و زورمندانه و بی امان تا نابودی کامل رژیم ملا ها بر سر و ریشه آنان بکوبند.

سکوت و تسلیم در برابر مسلمانان سربر و خونریز کاری بس اشتباه است و هر آنکه این را توصیه کند بی تردید هوادار رژیم آخوند ها است. سر خم نمودن و هدیه دادن گل به سرداران جنایت و تجاوز که در میدان نبرد فرزندان آریابوم را به گلوله بسته اند چنان تئوری مسخره ای است که هر کودکی را به خنده وامی دارد.

این نبرد باید با مشت و گلوله و با خشم جوانان ایران در برابر سپاهیان آخوندهای مسلمان با خشونت هر چه بیشتر و تا آخرین لحظه و نابودی کامل اسلام و آخوند و ملا ادامه یابد.

به امید رهایی ایران از چنگال اربابان خرافه و نابودی اسلام اهریمن.



حنیف معلم  
دی ماه ۲۵۶۸